



سال دوم - شماره ۸۸  
یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۳۶۰  
به شماره ۱۰ ریال

سیدبازار در هفته منتشر می‌شود

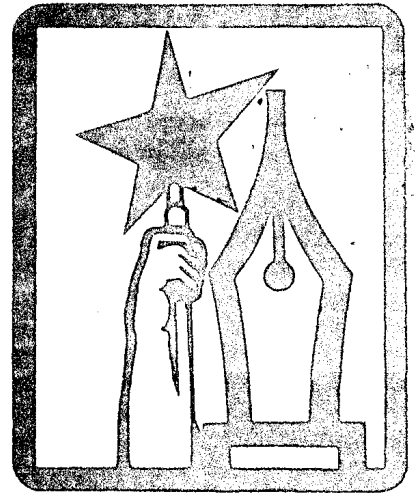
# رهائی

## دوره مبارزات توده‌ای

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

### تجربهای دیگر :

## کمونیستها پیگیرترین مبارزین راه آزادی



در سیر وقایعی که به بهمن ۵۷ انجامید در همان مقطع قابل تشخیص نبود ، بلکه از آنرو که برای مردم و متأسفانه بسیاری از سازمانهای سیاسی هم تجربه و نتایج تحلیل روشنگر است ، در این دو سال و نیم منبر مردم آموختند که "روحانیت" علیرغم تمام نغمه‌سراشهایش در باره "مستضعفین" و حکومت عدل و مساوات اسلامی

تشرهای خسته با افکار آگاه ، با قلبهای مشتاق و مشتهای گره کرده در مقابل جوخه‌های اعدام رژیم جمهوری اسلامی می‌ایستند تا فریاد همیشه جاودان آزادی و انقلاب را سر دهند. در حصارهای تنگسای زندان و در زندانی بزرگتر بنام ایران ، مبارزین انقلابی و مردمزحمتکش ، رنج دیده و از ستم نرسیده ایران ، هر یک بنحوی تمام آهانتها ، تحقیرها ، و شکنجه‌های روحی و جسمانی را بجان و دل می‌خرند و به مبارزه خویش رسختانه ادامه می‌دهند تا حکومتی را که از بالای سر آنان قدرت سیاسی را در بهمن ۵۷ غصب نموده ، از اریکدی خلافت قرون وسطائی که رژیم آنرا ودیعی الهی در نزد ولی امر می‌پندارد بریزد کنند و به خواسته‌های واقعی انقلاب بکوشند اما منحرف تندی بهمن ۵۷ تحقق بخشند.

آنچه امروز در میهن ما می‌گذرد ! ادامه مبارزه طولانی و پر پیچ و خمی است که از سالها پیش پیشتر از آنکه روحانیت بفر "مبارزه علیه رژیم سلطنتی افتد و "لیبرالها" ، "تجدید" بی‌درسر و خانه نشینی را به گله‌گذاری از رژیم سلطنتی ترجیح دهند. آغازنده است و علیرغم کاستیها و تحمل ضربات فراوان که همه لازمی یک مبارزه انقلابی است به پیش می‌رود. در این دو سال و نیم که بیشک از پربارترین دوران تجربه‌اندوزی مردم و سازمانهای سیاسی از مبارزه جاری در جامعه بوده است ، بسیاری از خطوط سیاسی ، برنسامه‌ها و جریاناتی که در اثر انقلاب سیاسی بهمن ماه ، فرصت عرض‌ندام یافته‌اند روشن‌تر شده است. روشن‌تر نه از آنرو که خواستهها ، اهداف و نیات هر کدام از آنها

### در صفحات دیگر

\* اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان

\* اخبار

\* و ...

تجربه‌ای دیگر...

چیزی جز دروغ و تزویر و ترور و اختناق در چنتا ساله ندارد. تحقق آرزوی ۱۴۰۰ ساله روحانیت برای احیای خلافت، از همان آغاز روزهای بهمن ماه چیزی جز مفسر و فلاکت و سیروزی برای زحمتکشان و سرکوب تدریجی ولی متداوم دستاوردها و آزادیهای بدست آمده توسط مردم را به همراه نداشت. مردم به‌رای‌العین و تجربه‌دریافتند که حکومت مساوات و عدل اسلامی، چیزی جز ادا مسیبه همان حکومت سلطنتی با پوشش و حجاب اسلامی نیست. بجای دیکتاتور سابق، دیکتاتور جدیدی می‌نشیند که در سفاکی و بی‌رحمی از او دست‌کمی ندارد. خای ساواک و کمیته مشترک ساواک و شهربانی را "کمیته و ساواک" می‌گیرد بی آنکه در گسترش دامنه‌های ترور و اختناق از سلف خود عقب مانده باشد. جاسای روزنامه‌های درباری را روزنامه‌های مکتبی می‌گیرند و اگر نه بیشتر به همان اندازه در تحمیل مزد می‌کوشند. های شاهزادگان سابق را فرزندان آپست عظام هر می‌کنند، و بجای هزار فامیل سابق شبکه‌ی وسیع روحانیت، در رأس قدرت قرار می‌گیرد و مردم در این دو سال و اندی از "امام و امامزاده‌ها" که همچون علف هرز ساکهان در همه جا رو شدند معجزه‌ای ندیده و به زندگی بر از درد و رنج خسود همچنان ادامه دادند اما هاله‌ی مذهب مذهب گسود برای استتار و اطمینان‌رئجای حکومتی بکار گرفتند می‌شد که در غیاب نیروهای سازمان یافته‌ی مترقی و در زدوبندهای بین‌المللی و داخلی در خلوت به قدرت رسیده بود نتوانست چندان در مقابل واقعیت سرعت مبارزه حقیقتی دوام آورد و این تقدس مذهبی بسرعت جای خود را به تقدیس قدرت دیکتاتوری داد. مردم به یمن تجربه‌ی خونین دریافتند که آنچه که روحانیت (با تمام بخش بندیهای موجود در آن) در ظاهر مدعیسی آن بود با آنچه در واقع و در عمل بدان دست زد متفاوت است. دیررسیدگان تاریخ، که از اعماق پستوها و زیرزمین‌های نمناک تاریخ به قدرت رسیدند، چندان در گرداب مبارزه‌ی سیاسی جاری در غلطیدند که بسرعت بر زیر عبای خود، ردای ژنرالها را تن کرده و بر روی نعلین‌های خود، جکمه‌های فزاتی را پوشیدند. ژنرالهای عبا پوش نشان دادند که از ژنرالهای بسی عبا دست‌کمی ندارند.

اما روشن شدن چهره‌ی واقعی روحانیت و حشرب منفورش حزب جمهوری اسلامی و لشکریان اسلامش، حشرب الله تنها دستاورد مبارزات دو سال گذشته نبود. علاوه بر این واقعیتی دیگر برای مردم روشن شد. شرکسای سابق قدرت، و مقضوبین فعلی خلافت یعنی "لیبرالها" نیز نشان دادند که در چنته‌های بی بضاعتشان چیزی جز ترس و محافظه‌کاری و فریب‌ندارند، "لیبرالها" که در سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی تا آنجا که بسده نفع خود آنان بود از اتحمار طلبان دست‌کمی نداشتند و صرفاً "پس از آنکه زمینه‌چینی سلب قدرت از ایشان توسط دارودسته‌ی ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی آشکار گردید، ناگهان بیاد "آزادیهای" از دست رفتند و مردم افتاده و به نوحه سرانی پرداختند.

طراحان حمله به کردستان و دانشگاه، موسسین گروه فاشیستی مجاهدین انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران و ساواک چون بنی‌صدر و جمران، قطب زاده و یزدی و امثالهم که سابقه "مبارزات تیشان" به دریافت بورس تحصیلی از موسسه تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه تهران، همکاری با فاشیستهای لبنان و صهیونیستهای اسرائیلی در سرکوب جنبش فلسطین، تلاش در به انحراف کشیدن مبارزات دانشجویی در خارج از کشور، خلاصه می‌شود چنان سنگ آزادی و عدالت را به سینه زدند که گوییم گوییم نه قبل از آنها، نه همراه آنها، و نه بعد

از آنها هیچ آزاداندیش و آزادیخواهی بر روی کسره زمین وجود نداشته و نخواهد داشت. در دنیای وارونه‌ی جمهوری اسلامی که علی‌القاعده می‌باید بجای دویا بر روی سر حرکت کسودان چنان فریب‌ناز "آزادیخواهی" سر دادند که گوش فلک را هم کسود کرد. کذابانه بودن این فریاد "آزادیخواهی" تنها به این خاطر نبود که آنها خود در گذشته آزادی‌بهای اساسی را زیر پا گذاشته بودند. در همین "دروغ" دروغی بزرگتر نهفته بود. ایشان نه تنها گذشته را وارونه جلوه می‌دادند، بلکه چنان تصویر از پامردی خسود در مقابل "غول استبداد" ترسیم می‌کردند که هر انسان زود باور و نا آشنا به مغلظهای سیاسی رایج در میان "لیبرالها" را دچار تردید می‌کرد. بنی‌صدر این غول گلی چنان از لزوم مبارزه علیه استبداد و خودکا - مگی فریاد برآورد که کم کم موفق به ایجاد توهم جدیدی در ذهن مردم شد. اما این غول گلی و اطرافیان چنان به سرعت در مقابل اولین تهاجم جدی و وسیع حزب جمهوری اسلامی، میدان "مبارزه" را ترک کردند و از هم پاشیدند که برآستی برای توده‌های مردمی که بخاطر کسود آزادیهای اساسی خود بسیج شده بودند، باور آن مشکل بود.

نهفت آزادی و بازرگان توبه نامه‌های خود را به محضر "امام امت" فرستادند و هر گونه شک و شائبه‌ی را در مورد خود بر لرف کردند. بنی‌صدر که می‌خواست بعد از حشکسا عراق کار را بکسره کند چنان در جنگ خانکس مغلوب شد که بشکاک فرصتی دوباره باید او نیز توبه خواهد کرد. بازرگان سکوت و بنی‌صدر فرار را برگزیدند تا بتوانند در فرصت بعدی، آنگاه که مردم و نیروهای انقلابی کار را بکسره نمودند مجدداً "به میدان آیند. تجربه بار دیگر نشان داد که بورژوازی در دفاع از آزادی و آزادیخواهی تا چه اندازه زبون و مفلوک و مردد است و چگونه سیاست‌صبر و سکوت را در پیش می‌گیرد.

باز هم کمونیستها و سایر نیروهای مترقی هستند که بار سنگین مبارزه‌ی انقلابی را بدوش می‌کشند. کمونیستها در مقابل جوخه اعدام فریاد "زنده باد سو سیالیسم، زنده باد آزادی" را سر می‌دهند و دیگر سر نیروهای مترقی با خون خود شعار مرگ بر ارتجاع را بر روی اسفالت داغ خیابانها و خاک میدان تیر رقم می‌زنند. "لیبرالها" به پستوها و به دیار غرب می‌خزند و کمونیستها و مجاهدین در زندان و شکنجه‌گاهها، در خانه‌های تیمی در خیابانها، در کارخانه‌ها و... با حماسه‌آفرینی سگری و وفاداری خود به آرمانهای انقلابی را در عمل به اثبات می‌رسانند.

کمونیستها این پیگیرترین مبارزین راه رهسائی کارگران و زحمتکشان، با ایثار و فداکاری بینظیری در مقابل آماج تهمت، افترا و گلوله‌های دژخیمان جمهوری اسلامی، سر بلند و با افتخار از اینکه هیچگاه در مقابل دولت ارتجاعی جمهوری اسلامی سر خم ننموده‌اند به مبارزه‌ی خود در شرایط ترور و اختناق ادا مسیبه می‌دهند.

زندانها یکی پس از دیگری از تنهای خسته و شکنجه دیده‌ی کمونیستها و مجاهدین پر می‌شود. گورستانهای عمومی اجساد متلاشی شده بهترین فرزندان حلقهای ایران را که بدست دژخیمان جمهوری اسلامی کشته شده‌اند در خود جای می‌دهند. اما سیل پرخروش و توفنده مبارزه‌ی انقلابی همچنان در جامعه دنبال می‌شود. خیل عظیم مبارزین انقلابی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی را به وحشت انداخته است. در چهار گوشه کشور، در کردستان نهرمان، در شمال مبارز، در جنوب حماسه آفرین بین و... لریزه بر اندام حکومت جبار و ارتجاعی جمهوری اسلامی افتاده است.

خطوط روشن‌تر و روشن‌تر می‌شود. آخوندها در قدرت

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری نیست

## بنیاد مستضعفان!!



## اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان:

## ۹- دزدیها و چپاول ثروت زحمتکشان

چه کاری است . موفقیت دولت مکتبی در کنار زدن حسابداران و حساببران مزاحم و دست و پا گیر بمعنای اینست که سراسر مملکت با دستگاه‌هایی به سبک و سیاق بنیاد مستضعفان اداره خواهد شد : مرجع دستوردهنده : آقای محمدعلی رجایی بدهکار : وزارت دارائی جمهوری اسلامی ایران . بستانکار : پسرخاله شخص فوق الذکر . مبلغ : رقمی با ده عدد صفره سمت راست آن . مورد مصرف : امور معنوی و اخروی مورتحساب پیوست : ندارد . شرح هزینه : ندارد . متن گزارش یکی از حساببران را در این شماره با هم می خوانیم :

بسمه تعالی

گزارش رسیدگی به حسابهای بنیاد مرکزی ( مستضعفان ) مانده حسابهای بنیاد مستضعفان تنظیمی در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۰ که البته بسیاری از حسابها در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۰ را نیز شامل میگردد بطور آزمایشی مورد رسیدگی واقع شدند . لازم به تذکر است که مطالب مشاهده شده الزاما تمام مسائلی نیست که در بنیاد وجود دارد بلکه براساس حسابرسی صرفا آن قسمت از مشکلات و نارساییها و بطور کلی ایرادات میباشد که در رابطه با اسناد بررسی گردیده ، مشاهده شده و نسبت به آنها اظهار نظر شده است .... در بسیاری موارد عملیات انجام شده منطبق با اصول حسابداری به هیچوجه نبوده و سابقا اوقات اشتباهات فوق العادهای در ثبت دفاتر بنیاد مشهود می باشد؛ ضمنا ترکیب تعدادی از آن مشکوک بنظر میرسد و نسبت به صحت آنان نمی توان مطمئن بود .

حسابهایی که مورد رسیدگی واقع شدند و صرفا راجع به آنها اظهار نظر میگردد . از بروندههای منعکس می باشد که مشکل از شش قسمت میباشد شرح زیر :

الف - ترازو و صورتهای مالی و ...

ب - حسابهای بنیاد و ...

ج - درآمد و فروشها و ...

د - تنخواه گردان و اشخاص و ...

ه - فروشگاه و نمایشگاه و ...

و - حسابهای اصلاحی و برگشتی و ...

بخشهای فوق الذکر شامل رسیدگی هایی ضمن برونده می باشد که میباشد تواما مطالعه گردد . (با یادداشت های ضمن برونده ) توضیح اینکه بعلمت کثرت سر فصل های بنیاد و اولاً تمام حسابها مورد رسیدگی واقع نشدند و ثانیا حسابهای مورد نظر بطور آزمایشی رسیدگی گردیدند و ثالثا حسابهای رسیدگی شده که از دو بند : یکی اصول حسابداری و دیگری کشف سواستفاده ها و همچنین نقاط ضعف مورد توجه واقع شدند ، بشرح زیر و بطور اجمال عنوان می گردد تا دستورالعمل لازم بمنظور اصلاح حسابها و همچنین رفع ابهامات صادر شود :

۱- حساب طرح خدمات روستا :

در شماره های گذشته پاره ای از اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان ، شرکت هایی خاص با مسئولیت صفر و درآمد نامحدود ، را مرور کردیم . امروز شاید عظمت فاجعه و عمق اختناق و ابعاد ناامیدی عمومی از رژیم اسلامی به اندازه ای باشد که کسی با دیدن یادداشت آیت الله بهشتی که دستور پرداخت ۲ میلیون تومان وجه راجع را به نورچشمی ها صادر کرده است ، به اندازه ای کافی فرصت حیرت کردن نداشته باشد . اگرچند کاسب بازاری از قبیل لاجوردی و کجوبی ، دادگاه عدل الهی برپا میکنند و فوج فوج آدم پای دیوار میگذارند تا بلکه غائله ای عمال فیضیه به قیام جهانی مهدی (عج) متصل شود ، دیگر در چنین اوضاع و احوال سراسر فاجعه آمیزی چند میلیون تومان ظاهرا وجه با آورده که میباید باند مکتبیون دست بدست میشود شاید آنچنان که باید ، موضوع تکان دهنده ای بنظر نرسد .

اما در کنار واقعیت فقر مزمن و دردناک اکثریت طایفه مردم که با سنگینی کیسه های انگار پایا ناپذیر سرما به داران مومن و متقی نسبت مستقیم دارد ، بررسی دقیق اسنادی مانند آنچه در بنیاد مستضعفان بدست آمده ، میتواند از شیوهی حکومت ، روابط شخصی و گروهی حکام و پایگاه اجتماعی و طبقاتی آنها تصویری بدست دهد یا تصویر کنونی را دقیقتر کند .

همچنانکه در شماره های پیش اشاره کردیم ، چاب تمام اسنادی که از غارت تاریخی بنیاد مستضعفان به دست آمده در محدوده ای صفحات انگشت شمار "رهایی" میر نیست . امیدواریم همچنانکه وعده کرده ایم بتوانیم مجموعه ای کامل آنها را در آینده ای نزدیک یکجا منتشر کنیم .

بخشی از اسناد رسوایی مالی بنیاد مستضعفان که از این شماره منتشر میشود مربوط به گزارش حساببران و بازرسان مالی است که در ماههای ابتدای سال ۵۹ ما - مور رسیدگی به بنیاد مستضعفان شدند . تقریبا در تمامی مواردی که حساببران در گزارش خود آورده اند چند موضوع تکرار میشود : کبرندهی وجوه مشخص نیست ، سندی دال بر موضوع و نحوه ی مصرف مبالغ پرداخت شده مطلقا وجود ندارد ، از کسی مفاصا حساب و صورت هزینه خواسته نشده است ، وام بدون بهره به اشخاص پرداخت شده ، بی آنکه بازپرداخت شده باشد . نکته ی بسیار جالب در این گزارش علائمی تعجبی است که در جای جای آن گذاشته شده ، اگر چه شغل حساببران ، بررسی ارقام درشت و ریز و تهیه گزارش از اشکالات و کمیودهاست ، اما انگار حساببران ما مور بررسی بنیاد مستضعفان نتوانسته اند - حیرت خود از دود شدن وبه هوا رفتن این ارقام غلبیم ؛ تمسخرشان نسبت به بلاغت تاریخی مکتبیون که حتی بمادر به تهیه چند صورت حساب جعلی هم نیستند - یا نیازی به اینکار نمی بینند - پنهان کنند .

نگاهی به اسناد و نیز گزارش های حساببران بنیاد مستضعفان تردیدی باقی نمیگذارد که این همه رجزخوانی اولیاء مکتبی امت شهید پرور در مذمت ضوابط اداری و ستایش تقوی هیستانتان ، برای راه انداختن چه نوع دولتی و برپای

اسناد

برداشت مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به آقایان غلامعلی نعمتی الی. و عبدالحمید باقری بابت طرح سازمان تعاون اجتماعی و خدمات روستایی که هیچگونه مدارکی دال بر نحوه عملکرد مبلغ فوق صمیمه اسناد مشاهده نکردید.

۲- حساب گروه فرهنگی و تربیتی انقلاب اسلامی: توضیح رهائی: خوانندگانی که تا این گروه فرهنگی تربیتی آشنا هستند بهتر است اعتراف کنند که به جز موجودی بنام حساب گروه انقلابی هادی غفاری و دیگر پاندهای بنامند حضور مردم در صحنه خبر ندارند.

برداشت ۶/۱۱۲/۵۰۰ ریال در وجه آقای علی ظاهر آبادی بنامند گروه فرهنگی. مشخص است چنانچه این مبلغ چند وام دارد چرا تاکنون تسویه نشده و اگر خرج شده به چه مصرفی رسیده در هر صورت مسئولان برسد برداشتند آیا باید سود انجام شود یا ارگان دیگری؟ (قسمت ۱/ بیرونده) البته تمام برداشتها بطور تدریجی بوده است.

۳- حساب تکمیل ۷۰ دستگاه آبارماهیهای حریری طلوع: برداشت مبلغ ۱۹/۲۲۷/۲۸۳ ریال جهت تکمیل آبارماهیها که هیچگونه مدارکی دال بر مخارج مزبور در آن مشاهده نکردید. (قسمت ۱/ بیرونده) توضیح اینکه مبلغ فوق پس از کسر انتقالی ها از این حساب است.

۴- حساب واسطه نقلت مونیوری: برداشت مبلغ ۷۹/۶۵۶/۳۹۰ ریال بابت خرید انواع رسو و حسب استیسی نظور نقد که اولاً محل نگهداری آنها ثابت نیست در کمپنها، جهاد، بنیاد... نگهداری میشود. ثانیاً تعدادی از آنها بطور قسطی به اشخاص فروخته شده که حتی نام بعضی از خریداران نامعلوم است. سؤال: اثر این اموال را می توان به حساب جاری خریداری شد و اگر مازاد مشخص داده شد چرا قسطی آنهم که به کسانی که هوب آنها نامخص است فروخته شده؟ (قسمت ۲۳/ بیرونده) توضیح اینکه مبلغ فوق پس از منظور نمودن اموالهای فروخته شده است.

۵- حساب هزینه های فروشگاه بزرگ: برداشت مبلغ ۴/۹۶۲/۷۲۲ بابت حقوق کارکنان، باسداران و سایر هزینه ها که در بعضی موارد فاکتور مخارج انجام شده. رست گیرندگان وجه و حتی گاهی محل مصرف هزینه های انجام شده کلاً نامشهود است. مسئول این فروشگاه که آقای سلطان نامبرده است معلوم نیست به چه علت باصرف نظر از مبلغ ۱۴۳/۵۰۰ ریال از اسان ششم نتوانسته شود اسان برکنار شده است.

(قسمت ۴۸/ بیرونده) توضیح اینکه مبلغ فوق در پایان سال به حساب هزینه عمومی منتقل شده است. غیر حساب هزینه های کمپنه انقلاب اسلامی:

بابت انتقال مبلغ ۴۵۰۲۷۴۶۲۷ ریال موضوع برداشتی سه قسمتهای رزل به این حساب طبق دستور شفاهی آقای برهمند و آقای نعمتی: گروه فرهنگی و تربیتی اسلامی - کمک برای خانه سازی لاهیجان به بنیاد عملیاتی لاهیجان - کمپنه زابل - موسسات فرهنگی - کمک به کردستان - بنیاد - گردان آقای تابی (با مبلغ ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال !!) - کمپنه امداد آقای شفیق (با مبلغ ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال !!) معلوم نیست تحت چه مجوزی مبالغ فوق الذکر را که قبلاً به اشخاص پرداخت شده بود، بدون در نظر گرفتن اینکه آیا این مبالغ به صرف کارهای مونی و مثبتی رسیده؟ آیا مدارکی دال بر انجام این مخارج وجود دارد؟ آیا این مبالغ... وام نداشته؟ که اینک بجای بازپس گرفتن آن، جمع آنها به حساب هزینه های کمپنه انقلاب اسلامی! منظور می نمایند؟ توضیح اینکه قسمتی از این برداشت ها شامل واریزی به کمپنه های شهرستانها (گرچ - لاهیجان - کردستان - ...) می باشد که البته در بسیاری

موارد رسید گیرنده وجه صمیمه سند است! (قسمت ۵۲/ بیرونده) توضیح اینکه این مبلغ پس از کسر برگشتی ها بطور حالی در پایان سال ۵۸ منتقل شده است.

۷- حساب بنیاد مسمسقان (مرکزی): بابت انتقال مبلغ ۲۸۱/۰۰/۱۳۷ ریال که قبلاً بعنوانهای مختلف در حسابها عمل نموده بود. در جمله برداشت مبلغ ۱۰۰/۰۰/۰۰۰ ریال (به ترک تکمیلی ساز) که ۳۰٪ آن در مالکیت بنیاد می باشد، بعبان وام که بعلت عدم باز برداشت این وجه توسط وام گیرنده (ترک تکمیلی ساز) حساب این ترک محدود مانده حساب آن به حساب بنیاد منتقل گردیده است! و همین بنیاد و اجواستی و اسناد دریافتی بجای آنکه به مسئولان اسناد جهت وصول وجه آن مراجعه شود و یا از ادکاها برای وصول وجه این اسناد استفاده شده. آن اسناد که حساب بنیاد منتقل کرده اند، و یا به واحد کسب وری مبلغ ۱۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال در وجه آقای سیدین با مبلغ برداشته و اینک بجای آنکه مورد معارج راز آقای سیدین باشد دریافت کنند و یا آنکه اصل خود را پس میگرد دارند، کل این مبلغ به حساب بنیاد منتقل و بدین ترتیب حساب اسان محدود می گردد.

۷- مورد دیگری می توان نام برد که مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به ترک رسدگی گرج در وجه آقای لسگوی برداشت شده. با مبلغ ۶/۲۰۰/۰۰۰ ریال وجه آقای علی تفسر اقباسری برداشت شده که جای سؤال است. این مبلغ و مبالغ مشابه تحت چه جواز و ریاض و شرفتی مجوزی برداشته؟ یا چرا پس از بدی بدون استناد سند به بنیاد اسناد بطلع نمود. اسناد این مانده ها، به حساب بنیاد باطلع نمودن این حسابها می شوند که میسند بتوان نسبت به وصول سند آن می گیری نمود.

مورد حالی که می توان در این رسد سیر معروض دانست فروش شرکت استظرفی می باشد که صد در صد سهام آن فروخته به بنیاد است بدون اینکه این شرکت توسط کارسانان ارزیابی شود. آنرا بملع ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال فروخته (قسمت ۹/ بیرونده)

۸- حساب سهام شرکتها - سرمایه گذاری: بابت سهام مفاد شده از اشخاص محکوم بملع ۲/۰۹۶/۰۰۰ ریال که نسبت به صحت میزان سهام بی نام نمی توان نظر خاصی داد بلکه میتوان گفت مراحل ثبتی سهام بی نام شده است. ضمناً سهام اشخاص که اموال آنها توقیف شده در حساب دیگری تحت عنوان (سرمایه گذاری در شرکتها - امانی برد) نگهداری میشود (قسمت ۱/ ب و ۲۱/ بیرونده) حساب سهام در سایر شرکتها نیز همین ماهیت را دارد. موضوع اینکه مبلغ فوق در پایان سال به حساب سرمایه گذاشته در شرکتها منتقل شده است.

۹- حساب ترکا ببنجال؟ - آقای داریوش روحانی: مبلغ ۲/۷۸۲/۸۸۲ ریال بابت فروش ۲۵٪ سهام این شرکت مانده بنیاد شده که هیچگونه مدرکی دال بر ارزیابی شرکت مزبور و تعیین سهم بنیاد به میزان واقعی وجود ندارد. و مشخص نیست بر چه اساسی بابت سهم بنیاد

مبلغ فوق الذکر دریافت شده است. (قسمت ۱۵/ ب و ۲۶/ بیرونده)

۱۰- حساب آقای فرمانفرمایان: بابت وجوه نقد و همچنین سهام ایشان در شرکتها جمعاً بملع ۴۰/۷۱۰/۹۰۰ ریال که بجای بستانکار نمودن حساب درآمدها - (اموال مفاد شده) حساب اسان بستانکار شده است. (قسمت ۱/ بیرونده) توضیح اینکه در پایان سال مبلغ مزبور به حساب درآمد های نقدی مفاد شده منتقل گردیده است.

۱۱- حساب اسناد و خواست شده: مانده این حساب این مبلغ ۸/۷۲۱/۰۰۰ ریال می باشد که مربوط به چک و سفتهای و اجواستی می باشد لازم متذکر

اسناد . . .

است که : اسناد حسابداری اعلامیه های بانکی مبنی بر  
 واخواست وجود ندارد . ثانیا اسناد واخواستی به هیچ  
 پی گیری نمی شود . ثالثا اسناد واخواستی تفکیک نشده  
 است به این معنی که اسناد حاصل از مداره اموال اشخاص  
 محکوم ( که عمدتا واخواستی هستند ) با اسناد حاصل از  
 فروش جنس و اعطای وام ( که اصلا نمی باید بطور نسیه  
 جنس فروخته شده و یا وام پرداخت گردد ) بطور ادغام  
 نگهداری می شود . ( قسمت ۴۸/ب پرونده )  
 توضیح اینکه این مبلغ پس از انتقال مبلغ ۲۸۰/۲۴۲/۷۵۰  
 ریال اسناد واخواستی به حساب بنیاد مستضعفان بدست  
 بدست آمده است .

۱۲ - شرکت بار ... قرض الحسنه :  
 پرداخت مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شرکت مزبور که ۵۲٪ سهام  
 آن تحت مالکیت بنیاد می باشد بعنوان قرض الحسنه که  
 بعدا از این حساب خارج شده به حساب بنیاد منتقل گردید  
 است ! ( قسمت ۶۱/ب پرونده )  
 ۱۳ - حساب صندوق پس انداز ایلام - قرض الحسنه :  
 پرداخت مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال طبق دستور آقای مروارید  
 توسط آقای شعبی به صندوق پس انداز ایلام که مسئول  
 باز پرداخت این وجه نامشخص است ! ( قسمت ۶۱/ب -  
 پرونده )

۱۴ - هزینه کمک به کردستان :  
 پرداخت مبلغ ۲۵/۷۰۰/۰۰۰ ریال در وجه آقای محمد مطحی  
 و آقای درختان و ... طبق دستور آقای بهشتی که دستور  
 پرداختها ضمیمه سند مشاهده شد ولی هیچگونه صورتحسابی  
 تاکنون از گیرندگان وجه که حاکی از نحوه مصرف این  
 مبلغ باشد مشاهده نشده . ( قسمت ۶۱/ب پرونده )  
 توضیح اینکه مبلغ فوق در پایان سال به حساب بنیاد -  
 مستضعفان منتقل گردیده است .

۱۵ - حساب هزینه های فروشگاه - خیابان سفایاشی :  
 پرداخت مبلغ ۵۶۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه های حقوق و سایر  
 مخارج فروشگاه به آقای معانی که متاسفانه هیچگونه  
 مدرکی دال بر صورت ریز هزینه های انجام شده مشاهده نشد  
 ( قسمت ۶۲/ب پرونده )  
 توضیح اینکه در پایان سال این مانده به حساب هزینه -  
 های عمومی منتقل شده است .

۱۶ - حساب درآمد فروش انومیل و موتور :  
 کلا بمبلغ ۵/۶۵۹/۰۰۰ ریال موضوع فروش وسائط نقلیه که  
 متاسفانه هیچگونه مجوزی جهت فروش و بهای آن و همچنین  
 شرایط آن مهیود نیست . مثلا یکی از انومیل ها توسط  
 آقای کریمی بمبلغ ۲/۲۰۰/۰۰۰ ریال فروخته شده که هنگام  
 وصول مبلغ ۷۰۰/۰۰۰ ریال تخفیف داده شده است ( بنز ۲۸۰  
 مدل ۷۶ شیشه رنگی ) ( قسمت ۶/ج پرونده )

۱۷ - حساب فروش نمایشگاه :  
 بابت فروش لوازم مختلف مداره شده در محل نمایشگاه  
 بمبلغ ۷/۰۰۶/۸۰۰ ریال که ایرادات فوق العاده ای درباره  
 آن وجود دارد که بذکر تعدادی از آن میپردازیم :

- ۱- نوع جنس فروخته شده و مبلغ حاصل از فروش در بسیاری  
 موارد مشخص نیست فقط به ذکر مبلغ واریزی بانک از این  
 بابت اشاره شده که نمی توان اطمینان داشت آیا تمامی  
 مبلغ حاصل از فروش به بانک واریز شده و یا قسمتی از  
 آن ؟!
- ۲- در بعضی موارد حتی فاکتور اجناس مشاهده نگردید !
- ۳- بسیار موارد مشاهده شد که در زمینه فروش اشاره به  
 فاکتور شماره ... الی ... شده که متاسفانه درین این  
 محدوده شماره هائی از فاکتورها وجود ندارد و معلوم  
 نیست آیا با ظل شده و یا به منظور فرار از واریز وجه آن  
 به بانک ، مفقود شده است !!
- ۴- با کمال تعجب مواردی مشاهده میگردد که پس از فروش  
 بجای بدکار کردن حساب بانک ، حساب فروش نمایشگاه  
 بدکار شده است . نمونه های عملی موارد فوق در ( قسمت  
 ۱۲۰/ج پرونده ) منعکس می باشد .

توضیح اینکه بر ... احتساب مورد ۱۲۱ فوق الذکر . مانده  
 حساب فروش نمایشگاه به مبلغ ۱/۱۰۰/۰۰۰ ریال نقلیل  
 می یابد .

۱۸ - درآمدهای سستی مداره اموال :  
 دریافت مبلغ ۱۶۷/۸۲۸/۵۷۹ ریال وجه نقد از اموال مداره  
 شده اشخاص که اسناد متعددی در این زمینه میهوداست .  
 الف - هیچگونه عورس محلی ضمیمه اسناد حاکی از اینکه  
 مبلغ مداره شده در شخص محکوم حقدار است وجود ندارد .  
 ب - مواردی مشاهده گردیده که اموال استرداد می یابد  
 حکم دادستانی نمی باشد . مانند سند شماره ۱۰۲۹ -  
 ۵۸/۵/۲۱ .

ج - وجه دریافتی از بعضی از اشخاصی اسنادی است و  
 اطمینانی وجود ندارد که کلیه وصولی ها بحساب گرفته شده  
 باشد خاتمه سند ۵۱۰ - قسمت ۲۵/ج پرونده ، توضیح  
 ۵۸/۵/۲۱

اینکه این مبلغ پس از کسر برکشتی ها به عناوین مختلف  
 بدست آمده است .

۱۹ - حساب درآمدهای فروش مداره اموال :  
 مبلغ ۲۴۶/۶۶۲/۹۷۷ ریال حاصل از فروش اموال مداره شده  
 که در این باره اشکالات فوق العاده ای میهود که بذکر  
 تعدادی از آنها می پردازیم :

الف - فروشهای فروخته شده بطور تکراری به یکفده افراد  
 ثابت بوده که دقیقا مصرف کننده سوده سنده خود سیر  
 فروشنده بودند مانند آقایان : رحمت - درختان -

متاخی - نوری - فرحی - سفی - کریمی - عاقدی -  
 کاشانی - برهانیان - حقیقت - شرازی - و ... حالت  
 توجه اینکه از این اشخاص خود ارزیا ب ! فرسها بوده و  
 نیز خریدار . ضمنا طلا آلات نیز به یک سری افراد ثابت  
 فروخته شده و سیک فروش بقدری خراب بوده که حتی بسیاری  
 موارد شرح جنس فروخته شده نیز مشخص شده است . ( قسمت  
 ۲۷/ج پرونده )

ب - با توجه به اینکه فروشها بصورت نقدی انجام گرفته  
 و حجم روزانه آن زیاد است ولی حاصل فروش ... متجاوز  
 از یکفده ! ! به حساب بانک واریز شده است ، آنگاه  
 فروشنده مجاز بودند این مبلغ قابل توجه را برای  
 مدتی نزد خود نگهدارند ! ( ۲۶/ج )

ج - بعضی از فاکتورها فاقد امضا مسئول مربوطه بودجه  
 و همچنین در بسیاری موارد نوع جنس فروخته شده در فاکتور  
 مشخص شده است . ( به ترتیب قسمتهای ۲۶/ج و ۲۲/ج  
 پرونده )

د - وسائط نقلیه فروخته شده طی سندی بحساب گرفته شده  
 که اولاً این سند فاقد امضای صادر و ثالثا قسمت فروش  
 بسیار نازل است . ثالثا شرح سند مفهوم نیست که مشکوک  
 است ( دودستگاه بیگان طی سند ۵۸/۳/۲۲ بمبلغ ۴۸۰/۰۰۰  
 ریال ( قسمت ۲۵/ج پرونده )

ه - بعضی از فروشها اصلا فاکتور ندارد مانند فروش  
 کوفتند طی شماره ۴۳۵ - ۵۸/۴/۶ ( قسمت ۲۹/ج پرونده ) و  
 بسیاری از اسناد حسابداری که تعداد آنها زیاد هست  
 فاقد امضای مجاز می باشد . ( قسمت ۷۲/ج پرونده )

و - اموالی که مقرر می گردد پس از مداره ، به صاحب  
 آن مسترد گردد ، ضمن اینکه در بسیاری موارد محسورنی  
 برای استرداد وجود ندارد . چنانچه جنس اموالی فروخته  
 شده باشد ، وجه استردادی نیز دارای قابطه ای نسبت ( قسمت  
 ۶۹/ج پرونده )

ز - ضمن صورت ریز اموال فروخته شده ، موردی مشاهده  
 گردید که حاکی از وصول مبلغ ۱/۲۷۸/۰۰۰ ریال وجه نقد  
 از آقای برهمند می باشد ( طی سند شماره ۱۳۹۴ - ۵۸/۷/۱۴ )  
 و جزو درآمد محسوب شده ولی اصلا مشخص نیست بابت چه  
 موضوعی می باشد ؟ آیا اگر برتری کنیم مربوط به فروش  
 جنسی باشد . چه اطمینانی وجود دارد مبنی بر اینکه  
 این مبلغ فروش واقعی است ؟!

۲۰ - حساب های آقای شعبی :  
 مبلغ این حساب نوسان دارد . ( دریافتها از بانک

اسناد . .

جاری ۲۵۸۰۰۰ و پرداختی‌های مختلف به اشخاص ننگه‌ای که در این زمینه جلب توجه می‌کند اینست که ایشان طی سند شماره ۱۵۰۷ - ۵۸/۸/۱۳ مبلغ ۱۴/۳۸۲/۰۰۰ ریال به ۴۷۶ نفر وام بدون بهره پرداخت نموده است (تقریباً نفری ۳۰/۰۰۰ - ریال با اقساط ۱۰ ماهه) که ماهیت این اشخاص معلوم نیست! آیا اساساً بنیاد می‌تواند چنین عملیاتی را انجام دهد؟ (ضمناً رسید این وجوه نیز مشاهده نشد.)  
قسمت ۱۲/د پرونده

۲۱ - حساب آقای امیر بزاز :  
ایشان اشیاء دار کرج است که حتی در اشیاء اموال نیز بفروش رسانیده ولی بعلمت نقدی بودن فروش (بهتر این بود که خریداران وجه اجناس خریداری را به بانک بنیاد واریز می‌کردند و فیش بانکی را به فروشنده ارائه می‌نمودند که راه سو استفاده بسته شود) و نامشخص نبودن اموال فروخته شده (بعلمت نداشتن فاکتور) نسبت به مبلغ واریزی بابت فروش نمی‌توان اطمینان داد. (قسمت ۱۵/د)

۲۲ - حساب آقای برهمند :  
مبلغ درآمد این شخص فروش ... و مصارف آن . امور مختلف که انگالاتی در این زمینه مشهود است، بشرح:  
الف - طی سند شماره ۲۵۴ - ۵۸/۳/۳۰ مبلغ ۳/۱۲۶/۸۶۰ ریال بابت فروش طلا و سکه کسب شده که نوع، میزان، نرخ واحد و جنس فروخته شده بهیچوجه مشخص نیست. (قسمت ۲۶/د پرونده)

ب - طی سند شماره ۱۳۱۷ - ۵۸/۶/۱۵ مبلغ ۲/۳۵۰/۰۰۰ ریال به چند نفر از آقایان : علی اصغر ذبیحی - محمدافها - نسیان داود حسینی - سید علی رجائی - علی شهبازی، وام پرداخت کرده که در مقابل اسنادی از ایشان گرفته شده است، آیا ایشان مجاز به چنین پرداختهایی که دارای مدارک کافی نیست می‌باشند؟

ج - طی سند شماره ۱۳۴۱ - ۵۸/۶/۲۱ مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال تحت عنوان "هزینه کمک به کمیته انقلاب" به آقایان، شفیع و توکلی جهت کمیته کرمانشاهان پرداخت شده که ایرادات زیر وارد است:

۱- رسید این مبلغ از طرف کمیته کرمانشاهان مشاهده نشد  
۲- مصارف این وجه نامشخص است در صورتیکه جز هزینه‌ها منظور شده است.

۳- وجه به آقایان شفیع و توکلی پرداخت شده و بجای بدهکار نمودن حساب ایشان، حساب هزینه کمک به کمیته‌های انقلاب بدهکار شده است و این خلاف اصول حسابداری می‌باشد. (قسمت ۱۶/د پرونده)

۲۳ - حساب آقای مفاقی :  
این شخص مسئول فروش اموال معارضه شده در محل منزل امام جمعه بوده که ایرادات زیر به کار ایشان وارد است از اینقرار:

۱- در بعضی موارد نوع جنس فروخته شده و نام خریدار مشخص نیست. مانند سند شماره ۲۱۵ - ۵۸/۳/۲۱  
۲- در بعضی موارد هزینه‌های انجام شده دارای سند و مدرک مثبت نیست. مانند سند ۲۵۹ - ۵۸/۲/۲

۳- طی سند شماره ۵۸/۴/۵۴۶ - ۵۸/۴/۵۴۶ مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری ۱۴۱۰ (که صاحب آن نامشخص است و بانک مربوطه حاضر نشد واریز این حساب را معرفی کند) واریز شده در صورتیکه طی سند فوق‌الذکر گفته شده که این وجه به حساب جاری ۱۹۴۰ واریز شده است! که قابل قبول نیست. (قسمت ۲۸/د پرونده) (قسمت ۱۸/د پرونده)

۲۴ - حساب آقای سلطانی :  
مسئول فروش فروشگاه بزرگ بوده که قسمتی از فروشها بصورت نیمه (اسناد دریافتی) انجام داده، و بسا اوقات اسناد تنظیمی فاقد امضا می‌باشند. بعلمت نقد بودن فروشها و عدم کنترل صحیح نسبت به میزان و مبالغ اشیاء فروخته شده در این فروشگاه اصلاً اطمینانی وجود نداشته است. مثلاً طی سند شماره ۹۷۸ - ۱۲۵۹/۵/۱۸ اجناس فروخته شده که بعلمت همراه نبودن فاکتور با جنس فروخته شده و شخص خریدار نام معلوم است. (قسمت ۱۸/د پرونده)  
۲۵ - حساب آقای محمد با بانی - قرض الحسنه :

پرداخت مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال طبق موافقت آقای بهشتی جهت وام جهاد سازندگی طی سند شماره ۵۸/۴/۲۶-۶۵۹ که هنوز تسویه نشده و شرایط بازپرداخت نیز نامعلوم است (قسمت ۲۲/د پرونده)  
۲۶ - حساب آقای اکبری :

ایشان مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال طی سند شماره ۱۰۷۳ از آقای برهمند بعنوان وام دریافت نمودند. که موضوع طی سند شماره ۱۵۸۶ از این حساب خارج شده و بحساب واحد - کشاورزی منتقل گردیده است. توضیح اینکه طی سه فرم کلا مبلغ ۱۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال که قبلاً به آقایان : اکبری - مهندس بتکدار - مهندس ناهید پرداخت شده بود (بعنوان وام) بدون اینکه بازپرداخت شود، با اینکه اسنادی دال بر انجام هزینه بطریق معمول عرضه شود و با بطور کلی دستوری در این زمینه وجود داشته باشد، از حساب آقایان برگشت داده و به حساب واحد کشاورزی منتقل نمودند. که موضوع اصولاً نمی‌تواند منطقی باشد و مشکوک بنظر میرسد. (قسمت ۲۲/د و ۲۴/د)

۲۷ - حسابهای فروشگاه و نمایشگاه :  
حسابهای فروشگاه که در بند ۱۷ نیز به قسمتی از آنها اشاره شده است، دارای نقاط ضعف زیادی است که می‌توان بعنوان مثال موارد زیر را متذکر شد:

۱- طبق صورتجلسه که به امضای آقای کریمی مسئول نمایشگاه نیز رسیده، اجناس صادره شده که ابتدا در محل فروشگاه بزرگ بفروش می‌رسیده است از طریق حراج در محل بوده و بدون اطلاع عموم، بدین معنا که در این

صورتجلسه قید شده است که موضوع فروش در حراج منعکس نشود. به چه علت؟ معلوم نیست. ولی بطور وضوح می‌توان نتیجه گرفت که این فروشها را به یکعده افراد خاص انجام دادند که قبلاً نیز در این مورد توضیحات کافی مبدول شده بود، مانند نفرها که اکثراً به اشخاصی که ارزیاب بوده‌اند فروخته شده است.

۲- اشیاء کرج که مسئول نگهداری اموال صادره شده می‌باشد دارای نظم خاصی نیست و اموال واصله بطور درهم نگهداری میشده، تنها ضابطه‌ای که برای حفاظت اجناس انبار حاکم است، حسن نیتی است که به انباردار وجود دارد.

۳- در لیست حقوق و مزایای کارکنان نمایشگاه اسامی اشخاصی بچشم می‌خورد که مقابل آنها مبلغی درج شده ولی تاکنون اخذ نشده و موضوع بخصوص در باره آقای امام - جمعه مشکوک بنظر میرسد. توضیح اینکه ایشان کارمندان شرکت ایران ناسیونال هستند که طبق تحقیقی که بعمل آمد (لزوم بررسی بیشتر می‌باشد) ایشان از عوامل محمود - خیامی بوده که سابقه خوبی نزد کارکنان ندارد.

۴- تنظیم کنندگان بعضی از فاکتورها و اسناد این نمایشگاه نامشخص است (مانند سند ۴۸ - ۵۸/۷/۱۳ که مربوط به فروش غرفه تابلو و عتیقه‌جات می‌باشد.)

۵- فروشهای فروشگاه بزرگ که در حسابهای نمایشگاه عمل می‌شده حاکی از واریز وجوه حاصله از فروش در چند روز بعد از فروش می‌باشد. توضیح اینکه آقای نوری یکی از فروشندگان بوده که در بسیاری موارد خریدار نیز بوده است! (قسمت ۱۲/د پرونده)

۶- فروش تعداد سه دستگاه از اتومبیل‌ها که توسط آقای کریمی انجام شده است هنوز ثبت دفتر نشده است! (قسمت ۲۹/د پرونده) لازم بتذکر است که اتومبیلهایی که فروش آنها ثبت شده است دارای ضابطه‌ای برای تعیین نرخ فروش نمی‌باشد.

۷- بانک عمران که وجوه حاصله از فروشها در آن نگهداری میشود، در پایان سال ۵۸ دارای مانده است که با مانده طبق دفتر اختلاف دارد که خود ناشی از عدم ثبت دقیق حسابها (دریافتها و پرداختها) می‌باشد که باید پس از کنترل و رفع اختلاف، راجع به این حساب دقت بیشتری مبدول داشت. (قسمت ۵/د پرونده)

۸- مبالغی توسط آقای کریمی به تعدادی از کارکنان نمایشگاه بعنوان وام پرداخت شده که اکنون رفته‌اند و

تعدادی از کارکنان نمایشگاه بعنوان وام پرداخت شده که اکنون رفته‌اند و

تعدادی از کارکنان نمایشگاه بعنوان وام پرداخت شده که اکنون رفته‌اند و



تجربهای دیگر...

به شکار انقلابیون میپردازند، لیبرالها کنار می‌کشند و کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی به مبارزه‌ی خود بخاطر آزادی و سوسیالیسم ادامه می‌دهند. درسی خونین اما گرانبها از یک تجربه بیکار دیگر صحت‌گفته ما را اثبات می‌کند. کمونیستها در تئوری و عمل پیگیرترین نیروها هستند.

این فرصتی مجدد است که کمونیستها مردم زحمتکش و از ستم نرسه‌ی خود را به مبارزه‌ای سخت و طولانی فرا خوانند و فریاد "زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم" را سر دهند. فریادی که نوید دهنده‌ی بر چیده شدن حاکمیت ترور و اختناق و ستم طبقاتی است. اما مخاطب کمونیستها فقط زحمتکشان نیستند، بلکه علاوه بر آن جریاناتی هستند که علی‌رغم آنکه خود ناپیگیری و تزلزل "لیبرالها" و همدستی آنان را با "انحصارطلبان" در سرکوب نیروهای انقلابی و مترقی تجربه نموده‌اند، ولی هنوز پی به فریب‌کاری "لیبرالها" و لیبرالها نبرده‌اند و هنوز به این نتیجه نرسیده‌اند که فقط در کنار کارگران و زحمتکشان آزادی واقعی بدست خواهد آمد.

تجارب گوناگون در سراسر جهان و ایران چه در دوران دیکتاتوری رژیم شاه و چه هم اکنون که دوران استبداد و دیکتاتوری نوکیسه گان جمهوری اسلامی و حزب فاشیستی جمهوری اسلامی است باید به همگان نشان داده باشد که تنها در مبارزه قاطع و بی‌امان علیه اساس سرمایه‌داری و تلاش برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری است که می‌توان بردیکتاتوری و خفقان غلبه کرد. زیرا این نظام سرمایه‌داری در ایران است که دیکتاتوری فاشیستها را الزام آور می‌سازد. علاوه بر این تنها همین تجارب چند سال اخیر باید به همگان نشان داده باشد که قاطع‌ترین، پیگیرترین و سرسخت‌ترین دشمنان سرمایه‌داری، کمونیستها هستند. فقط آنها دارای برنامه‌ی مشخص برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری و جانشینی آن با نظام نوین سوسیالیستی یعنی تنها بدیل واقعی در مقابل سرمایه‌داری هستند. بنابراین با توده‌ای شدن مبارزه و جهت‌دادن چنین مبارزه‌ای بر چنین راستایی توسط کمونیستها است که می‌توان امید و چشم‌انداز پیروزی نهایی بر سرمایه‌داری و دیکتاتوری و کسب آزادی واقعی را داشت. لژمه‌ی این نیز شوکت هر چه وسیعتر در مبارزه و تبلیغ هر چه بیشتر چنین سیاستی است.

اسناد...

ضمناً "دارای سابقه خوبی نیز نبودند لذا امکان وصول آنها نیست مانند آقای شفیع... تبار با بدهی ۳۰۰/۰۰۰ ریال در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۷ یا اقساط معوقه وام آقای اسدالهی. (قسمت ۵/۱۴ و ۱۳ پیوسته) ۲۸ - سایر نکات قابل توجه :

مسائل دیگری که در رابطه با حسابهای مشهود و قابل تذکر است عبارتست از :

- ۱- فقدان کادر قوی مالی، افراد قسمت امور مالی تا کنون چندین بار تعویض شده‌اند که نتیجتاً شباتی در این قسمت که در واقع نبض بنیاد است حاکم نبوده و لذا در زمینه تنظیم اسناد مدارک، شخص مسئول کمتر پیدا می‌شود.
- ۲- در شرایطی که افراد صادق و با ایمان ولی بی‌کار در جامعه زیاد است، به کار گماردن افرادی که از منابع دیگر نیز، کسب درآمد می‌کنند اصولی نیست و بخصوص چنانکه این افراد در گذشته دارای سابقه درخشانی نباشند.
- ۳- گردش کالاهای معادله شده در فروشگاهها و نمایشگاه دارای اصول صحیح حسابداری نمی‌باشند.
- ۴- تعداد اسناد برگشتی و اصلاحی که تنظیم شده تقریباً ۱۰٪ کل اسناد تنظیمی می‌باشند و چنین امری حاکی از ضعف امور حسابداری و احتمالاً سوءاستفاده‌هایی که از بازی با حسابها عاید گردیده و اصولاً قابل قبول نیست.

با تقدیم احترام -  
اسم و امضاء حسابرس  
۵۹/۳/۱۱

اخبار...  
روز سه شنبه ۹ تیر ۶۰، فاشیستهای کمیته به یکی از خانه‌های محله‌ی صالح آباد حمله می‌کنند ولی موفق به پیدا کردن چیزی نمی‌شوند پس از تفتیش خانه پسر ۲۴ ساله خانواده را که کارگر کارخانه‌ی "دونپاکستر" است تهدید به دستگیری می‌کنند، ولی او جواب می‌دهد که آنها مدرکی ندارند و باید خانه را ترک کنند.

روز چهارشنبه جسدهای کبود سه پسر خانواده پیدا می‌شود. بعد از آزمایش آبسی که در بیخچال بود، روشن می‌گردد که در آب مقدار زیادی اسید نیتریک و پریدرول وجود داشته است. سه پسر کشته شده به ترتیب ۲۴ ساله، ۱۹ ساله و ۵ ساله بودند. بعد از بازگشت مادر و ۲ خواهر خانواده، این دو خواهر در محل به افشاگری می‌پردازند و بشدت مورد حمایت اهالی زحمتکش محل واقع می‌شوند.

فاشیستهای جمهوری اسلامی هر روز سندی بر جنایات خود می‌افزایند و در راه بقای خود از هیچ جنایت شرم‌آوری رویگردان نیستند. این نیز سند دیگری است دال بر جنایات کثیف این آدمکشان، کیست که نداند جنایت و کشتار بدون مجازات نخواهد ماند.

وحشیگری فاشیستهای حزب‌اللهی به منتهی درجه‌ی خود رسیده است. این چاقوکشان حرفه‌ای در حال حاضر که قدرت دولتی را پشت سر خود دارند احساس قدرت می‌کنند و دست به وحشیانه‌ترین جنایات نیز می‌زنند، زیرا فکر می‌کنند مجازاتی در انتظارشان نیست. طبق اخبار رسیده، این جنایتکاران در تاریخ ۸ تیر ۶۰ خانه‌ای را در یوسف‌آباد منفجر کرده‌اند، ولی هر جنایتکاری به‌سزای اعمال خود خواهد رسید.

# اخبار

## تهران

در اکثر پادگانها حکومت نظامی برقرار است و از تجمع افراد جلوگیری می‌شود. در برخی از پادگانها و از جمله پادگان جمشیدیه سوزن تمام تفنگها را برداشته‌اند، و هر سرباز برای نگهداری باید از انبار برای اسلحه‌ی خود سوزن بگیرد.

رژیم جمهوری اسلامی که موج آدمکشی خود را تشدید کرده است، مثل هر رژیم ارتجاعی دیگر از شورش سربازان انقلابی وحشت دارد. تجربه رژیم شاه نیز به سردمداران این رژیم اثبات کرده است که اگر سربازان که خود اکثراً از اقشار زحمتکش هستند به جنبش مردم بپیوندند رژیم را در مخمصه‌ی بدی قرار خواهند داد. این تروس رژیم بخوبی در سخنرانی خمینی روز پنجشنبه ۱۸ تیر مشهود است. نطقی که بر اساس آن یک سرباز انقلابی نیز بلافاصله اعدام شد. سربازان و افسران جزء انقلابی باید بگویند تا این وحشت رژیم را تشدید نکنند، زیرا فقط با تشدید مبارزه در تمام سطوح جامعه است که می‌توان در مقابل هجوم دیکتاتوری و اختناق ایستادگی کرد.



منزل مصباح زاده ( صاحب امتیاز روزنامه کیهان در زمان رژیم شاه ) در خیابان وزرا تبدیل به " داشره‌ی مبارزه با منکرات " شده است، و ریاست آن بعهده‌ی شخصی بنام سجادی است که از چاقوکشان حرفه‌ای است.

اطاقهای متعدد این خانه را بصورت سلول زندان در آورده‌اند و تعدادی زن و مرد در آنجا زندانی هستند. همچنین در قسمت زنان دختران مجاهد و زنان فاحشه را به عمد در یکجا نگهداری می‌کنند.

با گسترش مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی دژخیمان رژیم بر تعداد زندانها و سیاهچالها اضافه می‌کنند و تازه‌ترین زندان این فاشیستها زندانی بنام ایران است که دارای ۳۶ میلیون زندانی و زندانبانی بنام رژیم جمهوری اسلامی است. دیر نیست روزی که این زندانبان هم به سرنوشت کچوشی، زندانبان معدوم اوین دچار شود.

## اوین

زندان اوین در هفته گذشته شاهد نقل و انتقالات متفاوتی بود. دژخیمان برای اینکه بتوانند انقلابیون بیشتری را در سیاهچالها جای دهند، زندانبان غیر سیاسی را به یکی از ساختمانهای زندان قزل حصار که تحت کنترل کمیته‌چی‌هاست انتقال داده‌اند. حتی امیر انتظام که بقول گیلانی فاشیست غیر مکتبی و جاسوس است و حتی بهانه‌ای هم به باصلاح دادستان داده است که او را دوباره محاکمه کند، با یک کامیون اشایشه ( و از جمله تلوزیون رنگی ) به محل دیگری منتقل شده است. در این میان، ۲۴ تن از کارکنان " مجتمع صنایع شیمیائی پارچین " ( وابسته به صنایع دفاع ملی ) دستگیر شده و پس از انتقال به زندان دژبان روز چهارشنبه ۱۷ تیر ماه به اوین منتقل شده‌اند.

پس از سرنگونی رژیم شاه خاشن و باز شدن درهای زندانها و از جمله زندان اوین تصور مردم بر این بود که دیگر در این کشور زندانی سیاسی وجود نخواهد داشت. زیرا عموماً رژیمهای دیکتاتوری هستند که مبارزین انقلابی را بخاطر داشتن اعتقادات سیاسی، زندانبانی شکنجه، و اعدام می‌کنند. از این نظر رژیمهای شاه خاشن، سوموزا در نیکاراگوئه، پینوشه در شیلی و غیره مثالهای بسیار شناخته شده‌ای هستند.

ولی چه زود این تصور مردم انقلاب کرده غلط از آب درآمد. و چه زود جمهوری اسلامی، از همان اوان بر سر کار آمدن شروع به پر کردن زندانها از زندانبان سیاسی کرد و بدین ترتیب یکی دیگر از دستاوردهای گرانبهای قیام بهمن ۵۷ ( یعنی آزاد شدن زندانبان سیاسی ) را زیر پا گذاشت.

ولی همچنانکه تجربه‌ی رژیم شاه نشان داد نمی‌توان تا مدت طولانی زندانها را از زندانبان سیاسی پر کرد، آنها را شکنجه کرد و اعدام کرد. این نه تنها در مورد رژیم شاه بلکه تمام دیکتاتوری‌های تاریخ صادق است و جمهوری اسلامی نیز در این میان استثنا نیست و روزی خواهد رسید که مردم یکبار دیگر پیروزمندان در زندانها را بکشایند و فرزندان خود را نجات دهند.

هسته‌های مقاومت توده‌ای را سازمان دهیم